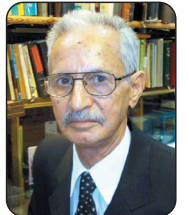


## منشأ و پیشینه واژه

## «گلدان» و «کشت و کار در پشت بامها»



استاد محمدحسین ابریشمی

## بخش چهارم

## واژه فارسی «کوزه» به معنی «گلدان»

از نکات جالب و خواندنی آنکه، واژه فارسی «کوزه» به معنی «گلدان» مورد بحث را میرزا عبدالحسین خان افشار ارومی (اهل ارومیه، از ایل «افشار ارومی») از رجال عصر قاجار در گزارش سفر خود به مکه آورده است. به نظر می رسد در عصر ناصرالدین شاه واژه فارسی «کوزه» به معنی «گلدان تداول پیدا کرده، و احتمالاً از غرب ایران منشأ داشته است. گزارش سفر افشار ارومی، با عنوان سفرنامه مکه معظمه (۱۲۹۹-۱۳۰۰ ق ۱۳۰۰/۱۲۶۲ ش) پس از ۱۲۴ سال چاپ و منتشر شده است. او ذیل عنوان «از تهران تا زلی» و اوصافی از شهرهای قزوین و رشت و بندر انزلی نقل کرده است. از جمله در شهر انزلی توقف و گشت و گزاری داشته، و از دیدنی های آن شهر، به شرح کاشت درختان نارنج درون «کوزه» توسط باغبانی پیرو مبتکر پرداخته است. صبح از خواب بیدار شده، دیدم دریا آرام گرفته... یک نفر بلد برداشته، پیاده به گردش انزلی رفتیم. در آخر انزلی خانه آقا سیدعباس، که در سلیقه «نارنج کاری» و در «کوزه» نگاه داشتن مشهور انزلی است، رفتیم. در خانه مشارالیه راز، سید پیرمرد بیرون آمد. گفتم به تماشای درخت نارنج آمده ایم. بعد از شناختن به اندرون رفتن را تکلیف نموده، در خانه درختان مرکبات زیاد داشت. در «کوزه» هم زیاد کاشته بود» به جهت فروش که اکثرش باردار بود. این فصل [تابستان اوایل مرداد] در کل انزلی یک دانه مرکبات پیدانی شود مگر در خانه آقا که از هر قسم مرکبات در سر درخت نگاه داشته بود. آقا یک دانه سلطان مرکبات از درخت می خواهد بچیند. قسم دادم بچیند حیفاست.<sup>۶</sup>

اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار (تألیف ۱۳۰۶) واژه فارسی «کوزه» به جای «گلدان» را دو مورد آورده است:

[۱] تعمیر «عمارت مبارک سلطانی» و اقصه در دارالخلافه «طهران»... این تعمیر عبارت است از پرداختن کلاه فرنگی چهل ستونی که از چوب بود... تخت بلور که از هدایای اسکندر اول امپراطور روس، و تمام پایه ها و اسبابش از نقره خام بود، در وسط این کلاه فرنگی زده شده و «کوزه های نارنج» در اطراف غلام گردش اول چیده بود.<sup>۷</sup>

[۲] اسما در صفت نباتات باغات جدیدالغرس همایونی... نامیه چمن پیرو و طبیعت جهان آرا بر دامن جبال و پیرامن تلال و سطوح بیابان و صفحه هر سامان به هر رنگ و بوی که گل و ریحان پرورده است باغبان حاذق و گل کاران فایق ببخش از بر! [بُن ابر آورده و در آن بوستان ها فرورده اند و از سایر ممالک و مسالک دنیا نیز تخم ها و قلمه ها و کوزه ها [گلدان ها] خواسته اند و گلستان ها بر آراسته اند...<sup>۸</sup>

پی نوشت:

۱- مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۱، ۱۸۲ به اختصار.

۲- دلیل السفارة: سفرنامه ابوالحسن خان شیرازی، به قلم: میرزا محمدعلی علوی شیرازی، به کوشش محمد گلبن، تهران دنیای کتاب، ص ۶۴

۳- لغت نامه، ذیل «رُس»

۴- همان کتاب، ص ۱۱۶، ۱۱۷ به اختصار

۵- همان کتاب، ص ۱۲۲، ۱۲۳ به اختصار

۶- همان کتاب، ص ۱۲۵، در مطالب مزبور، منقول از دلیل السفارة، همه قلابها (به جز: بی مزه [گی] از مرحوم محمد گلبن، وفات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۲) و نیز گیومه ها افزوده این هیچمدان است.

۷- سفرنامه مکه معظمه، میرزا عبدالحسین خان افشار ارومی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۶، ص ۴۱ و ۴۲ به اختصار.

۸- چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول: المآثر و الآثار، ص ۹۴ به اختصار.

۹- همان کتاب، ص ۱۳۶ به اختصار، آنچه داخل قلاب [ ] آمده افزوده صاحب این قلم است.

می آورند، و دارند. بعضی اوقات می شود که در ایام زمستان خیابانک، دانه پانزده هزار دینار، و آلسوز دانه دو هزار، و وز دالو دانه یک هزار دینار و آلبالو دانه یک هزار دینار به مصرف فروش می رسانند. و خلق خریده، صرف می کنند. اما با این قیمت، کفایت خرج به عمل آوردن آن رانمی کند و شخص عامل به همان اسم که من فلان چیز در فلان وقت به عمل آورده ام خوشنود است و ضرر آن را به خود بر می دارد. و همچنین سایر میوه ها و سبزی ها بسیار اتفاق افتاده، که به قیمت های اعلی داد و ستد می شود. مثل کاهو که...<sup>۹</sup>

[۴] بعد مهمانداران آمده اصرار زیاد کرده، که ساعتی به رسم تفریح به ملاحظه باغات میوه دار که جنب منزل است رفته باشند. صاحبی ایلچی ابوالحسن خان شیرازی قبول نموده، به ملاحظه آنجا رفتند. چند مکان طولانی، به نحوی که پیش سمت تحریر یافت، ساخت بودند. و سقف آنها را پوشیده پنجره های آینه آیشیه پیش روی آن مکان ها، ساخته و

این تماشاگاه ها... و خیابان ها و اشجار بی حد و بی نهایت... و با وجود این همه تعریف و توصیف که الحق دار و بیان شده است، در این باغ به این وسعت و بزرگی و وفور اشجار، یک درختی که ثمری داشته باشد به هم نمی رسد. و مجموع اشجار ابرای مصارف چوبی است که کار عمارت و ساختن آلت و خانه های آنها می آید. لکن اقسام گل ها و ریاحین، آنچه به خاطر برسد بسیار است. و میوه ایشان در خارج این باغ به عمل می آید. به این طریق که چندین جاها و مکان ها [ی] طولانی عریض ساخته اند و سقف را پوشیده کرده اند. و پیش روی آنها را که رو به آفتاب است درها و پنجره ها از آینه آیشیه کار گذاشته اند و اطراف آن جاها را بخاری های آتش ساخته اند که در زمستان متصل به هم آتش در آنجا می کنند و بعضی مکان ها را هم به طریق زیر زمین و گلخن حمام، جایی در زیر آنها ساخته در آنجا آتش می کنند. و از هر مقوله درخت میوه و مرکبات در صندوق های بزرگ چوبی، و «کلوک های بزرگ» و بعضی در زمین گذاشته و خاک بسیار نرم ملایمی در پای



آنها ریخته. آنچه در زمین است، شاخ و برگ آنها را یکی یکی به چوب بسته اند، و آنچه در صندوق و «کلوک» است خود بر سر پای می باشد و از گرمی آتش در آنجا هر قسم میوه، از مقوله سبب و زرد آلو، گلابی، و آلبالو، و انگور و سایر میوه ها به عمل می آورند. و مرکبات نیز به همین طریق از مقوله نارنج، نارنگی، لیمو، به عمل می آورند که در آنجا بسیار ملاحظه شد. و در زمین خیابانک، و سبزی آلات از هر چیز، و پیاز و بعضی چیزهای دیگر به عمل می آورند. اما تمام اینها «به زور آتش» است، و سوای در این مکان های مختص، در جای دیگر نمی توانند به عمل آورده باشند. و این طریق چیزها را همیشه در چنین مکان ها به عمل آورده می دارند. گاه است که در عین شدت زمستان و طغیان سردی هوا از همه این میوه ها که تحریر شد، در آن مکان ها بسیار موجود می باشد، که همه تازه به عمل آمده است. نقص کلی که در این است که با وجود درشتی و طراوت، آن میوه ها مثل زرد آلو و آلبالو و امثال اینها آن مزه که باید داشته باشد ندارد. بلکه بسیار بی مزه است. و بی مزه [گی] آنها به علت ندیدن هواست که از گرمی آتش بهم می رسد. و در آن مکان ها پله پله های بسیار ساخته اند و چوب گذاشته، روی چوب را یک وجب خاک ریخته اقسام سبزی آلات در هر وقت و هر موسم به همان بروز [زور] یک وجب خاک ریخته اقسام سبزی آلات در هر وقت و هر موسم به همان بروز [زور] آتش به عمل

## میرزا طالب خان

تاریخی از پیشرفت های «انگلند» (انگلسان)

دارد، و از تحولات کشاورزی و باغبانی نیز یاد کرده، و از «گل» و «گلدان» و «گل فروشی» سخن گفته است. همچنین شرحی درباره برخی درختان میوه پرورش یافته کوچک شده (به شیوه های علمی، یا به قول او: به صنعت) چون «چیری cherry» (گیلاس) و شفتالو در گلدان نقل کرده است:

ذکر قوت نباتی انگلند: بسیاری از درخت های سیب که به بزرگی درخت انبه می شود، دیده شد... و هر قسم گل متلون به الوان می باشد، خصوصاً زنگ، سوسن و نافرمان [گل زبان در قفا]... بالجمله این گل ها، به صنعتی که ذکر آن آید، قبل از وقت [موسم] به بار آوند و در «گلدان» های چینی و شیشه ای گذاشته از باغات به دکان گل فروشی نقل کرده به قیمت اعلی فروشد. حسن و لطافت دکان گل فروشی زیاد از حد بیان است... در این دکان ها درختان میوه چون شفتالو و چیری و غیره است که به صنعت خرد قامت کرده اند، پر بار میوه در گلدان ها گذاشته می باشند.<sup>۱۰</sup>

در روسیه تزاری همان دوران نیز کاشت و پرورش انواعی از گل ها و درختان میوه در فضای سر پوشیده با نور کافی، به اصطلاح امروزی «گلخانه»، رایج بوده است. میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) که به عنوان سفیر با هیئتی به روسیه رفته و مدت سه سال (۱۲۲۹-۱۲۳۲) سفرش به درازا کشیده است. سفرنامه نویسنده (میرزا محمد هادی شیرازی) از همراهان وی مواردی از کشت و کار و پرورش گل و گیاه و درخت درون صندوق ها و ظروفی به شیوه گلخانه ای نقل کرده است. و اوصافی از ساختمان و چگونگی گرم نگاه داشتن فضای بسته آن آورده است، وی در شرح و اوصاف یکی از موارد به جای واژه «گلدان» واژه ناشناخته «کلوک» آورده است که احتمالاً واژه گویشی شیرازی در قرون ۱۲ و ۱۳ بوده است:

[۱] روزی شخصی پیری خدمت صاحبی ایلچی آمده با کثرت سردی هوا قدری گل های غریبه خوش بوی به رسم تکلف آورده، تحقیق شد که از کجاست، مشخص کردند که در خانه خود باغی دارد و زیر باغ را به طریق «گلخن حمام»، خالی کرده رخنه ها و سوراخ ها گذاشته آتش می کند و بخاری ها نیز در اطراف باغ دارد که آتش در آنجا می کند. این مکان باغ به طریق اطلاق طولانی می باشد. درها تمام بسته، پنجره های آینه آیشیه دارد. سقف پوشیده راه و رخنه سر مادر آن نیست. به این نسبت هر گلی و گیاهی که می خواهد حتی مرکبات از مقوله لیمو و نارنگی و اشجار دیگر، مثل سیب ترش و غیره در آنجا به عمل می آورد. غریب تر اینکه مجموع گل و گیاه و اشجار را «صندوق ها از چوب ساخته»، خاک در آن ها پر کرده «درخت» را میان آنها گذاشته اند که یک بند «گل» یا «درخت» در زمین نیست و آنها را هر وقت خواسته باشند به همان نسبت از آنجا برده، جای دیگری می گذارند. از قناری که مشخص شد، این عمل در همه شهرها و ولایات روس متداول است، که در خانه ها به این نسبت همیشه اوقات گل ها و ریاحین میوه ها به عمل می آورند.<sup>۱۱</sup>

[۲] یوم شنبه بیست و هفتم ربیع الثانی ۱۲۳۰ روانه باغ «ساروسکو سلو» که متعلق به پادشاه است شدیم... این خانه پادشاهی که منزل صاحبی ایلچی است. اطاق های رنگین منقح دارد، و اقسام گل ها در بعضی اطاق ها بسیار است، و نارنجستانی در مرتبه زیر دارد، وسیع، که به طریق اروس [اُروس: اُرس: در تداول عامه «روس» و «وسی»] پیش روی آن، درها آینه و سقف پوشیده دارد. و بسیار طولانی می باشد. درخت مرکبات از هر چیز در صندوق ها گذاشته و گل در آن ریخته اند. اما درخت ها بسیار قوی و بلند می بود، و هر قسم گل و ریاحین که به خاطر می رسید در آنجا در «ظرف ها» منظور «گلدان ها» است [سبز کرده، دستی گذاشته بودند. مکانی بسیار باصفای خوش و صفی... باغی است موسوم به «ساروسکوسلو»... بیست و دو ورث اُرس / اُورست معادل ۱۰۶۶/۸ متر] که چهار فرسنگ، چیزی یک موم باشد، تا شهر پتربورگ [پتربورگ] مسافت دارد...<sup>۱۲</sup>

[۳] به هر حال و وصف این باغ ساروسکوسلو و این عمارات و